

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهٖ نَسْتَعِیْنُ

حمد و شکر سعادت اساس و سپاس و ستایش افزون از حد حصر و

قیاس مالک الملکی را سزا است که مزارع قلوب و مراتع نفوس عباد را وقف

عبودیت خود ساخت و طوق بندگی در گردن جان اهل ایمان انداخت و

جميع جوارح انسان را آلت عبادت نمود و معابد قلوب که مساجد حقیقی اند
 بسحاب عنایت کامله خود تعمیر و مرمت فرمود و بمضمون صدق نمون وان-
 المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً (۱) مساجد روی زمین را قبله گاه اهل یقین
 کرد و موافق حدیث شریف نبوی صلی الله علیه و آله وسلم که جعلت لی الارض
 مسجداً تمامت قطعات روی زمین را وقف عبادت گردانید تا با ذکر او فکر
 دیگری بخاطر نیاید و تولیت این امر جلیل القدر را بصدر ممالک اصطفی
 خاصه و خلاصه انبیاء زبده نخبه موجودات فهرست کارنامه مکونات عالی-
 جاهی که اقالیم نبوت و ممالک رسالت ذات متعالی صفات او را منجز* و مسلم
 است و شهنشاهی که سریر عرش نظر و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین (۲) بوجود
 فایض السجود او مزین و مکرم. محرم اسرار لی مع الله (۳) مشرف به تشریف لیغفر
 لك الله (۴) اعنی حضرت ابوالقاسم محمد بن عبدالله صلوات الله علیه و علی آله
 تفویض نمود و درود نامحدود و صلوات غیر معدود بروح اقدس و روان مقدس سروری
 درخور است که مدلول التعظیم لامر الله و مصداق الشفقة علی خلق الله پیش نهاد
 همت خود ساخته جمهور خالیا بقرا بشرایط شرع ایمان و قانون قواعد اسلام
 دعوت و از بتکده ضلالت و کلیسیای غوایت بمسجد عبادت و محراب هدایت
 دلالت فرمود اعنی سرور دنیا و دین و فریادرس نفس واپسین حضرت

۱- آیه ۱۹ سوره ۷۷ (جن)

* کلمه ای که منجز و مجهز و مخیر ، هر سه خواننده می شود

۲- آیه ۱۰۷ سوره ۲۱ (انبیاء)

۳- اشاره است به فرموده حضرت رسول که لی مع الله وقت لا یسعی ملک
 مقرب ولا نبی مرسل یعنی مرا با خدا وقتی است که در آن هیچ فرشته مقرب و
 پیغمبر مرسل راه نمی یابد (گلستان قریب ص ۶۶) .

۴- آیه ۲ سوره ۴۹ (فتح) .

امیر المؤمنین و برآل اطهار و عترت اخیار آن حضرت که بدور سماء خلافت و شمس فلک امامت و مشاعیل محفل جان و قنادیل محراب ایمان [اند] صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین ما دارت السموات علی الارضین . **اما بعد** چون بر هر کسی که دیدۀ بصیرت او به کحل الجواهر سعادت ازلی مکحل و جهت ذخیره آخرت در ثمشیت به اعمال باقیات صالحات متخیل باشد لازم است که شهرستان دین را از تعمیر مساجد معمور و بسبب اطعام فقرا و مساکین دهکده قلب را مسرور گرداند لهذا شمه‌ای از رایحه مهیب افزای ورشحه‌ای از بحر فیروزی و اقبال بر ساحت امانی و آمال عالیجنات فضایل و کمالات اکتساب فخر العلماء المحققین و مرجع الفقراء و المؤمنین محمد بن ابراهیم بن بابویه الکاکوئی الغفاری گردید که تمامی و همگی یکدنگ کامل از قریه مشهوره بده نمک مع ما يتعلق بهارا وقف نمود بر مسجدیکه واقع است در جنب قلعه واقف مذکور. مقرر و مشروط آنکه هر ساله متولیان موقوفه عشر خود را برداشته مابقی را صرف بوری و تعمیر مسجد نموده تا آنکه مسجد مذکور خراب نشده ساکنین قریه و مترکدین عبادت نموده ثواب آنرا در یوم لاینفع مال ولا بنون (۵) خداوند بیچون بروح پرفتوح واقف مذکور عاید سازد. و همچنین دودانگک کامل از شش دانگک قریه مذکور را وقف نمود بر فقراء و مساکین و زوار جناب ضامن الغرباء علی بن موسی الرضا علیه الف تحیه و الثنا مشروط بر اینکه متولیان هر عصر منافع و مداخل دو دانگک قریه مزبور را بعد از وضع عشر و اخراجات زراعت خرج اطعمه و البسه فقراء و زواران امام غریب نموده اخراجات دو منزل دیگر غیر از این منزل را نیز

بدهند و هرگاه خدا نخواستہ زواری در قریه مذکور بیمار شدہ اخراجات آن مریض را من الغداء والدواء نمایند تا آنکہ صحیح و سالم او را از این منزل روانہ نمایند تا در ہنگام آستان بوسی آن امام مظلوم واقف و متصدق مذکور را بدعای خیر یاد نمایند و اگر خدا نخواستہ آن مریض در آنجا فوت شود اخراجات دفن او را از کفن وغیرہ آنچه ضرور است متولیان از موقوفہ بدهند. و همچنین تمامی سہ دانگ کامل دیگر از قریه مذکور را وقف نمود بر اولاد ذکور خود مشروط بر اینکہ تا پدر در قید حیات است پسر در موقوف علیہم شریک و سہیم نیست. بعد از فوت پدر برادرزادہ با عمو شریک و سہیم میباشند بالسویہ منافع و مداخل آنرا قسمت نمایند و هرگاه خدا نخواستہ اولاد ذکور او منقرض شوند موقوف علیہم اولاد اناث واقف مذکور میباشند و اگر خدا نخواستہ اولاد اناث نیز منقرض شوند موقوف علیہم اولاد ذکور اولاد اناث میباشند و اگر خدا نخواستہ اولاد اناث واقف مذکور میباشند و اگر خدا نخواستہ ایشان ہم منقرض شوند موقوف علیہ صوفی متقی از اہل بلدہ سمنان میباشد. مخفی نماید کہ واقف مذکور و متصدق مزبور تولیت قریه مذکور را من المراتع وغیرہما مادام الحیات بنفس نفیس خود مفوض و مرجوع داشت و بعد از خود بر اولاد ذکور او و بعد از اولاد او بر اولاد اولاد ذکور خود و بعد از ایشان بر اولاد اناث خود علی النهج المسطورہ. و همچنین شرط کرد واقف مذکور کہ قریه مذکور را از سہ سال بیشتر بہ اجارہ ندهد و بحکم و کسی کہ اہل طمع باشند دخیل نمایند و رهن نمایند و بصداق زوجات نویسند.

فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه (٦) فعليه لعنة الله والملئكة والناس اجمعين . فهذا الخط الفقير الى الله الفتى احمد بن محمد بن احمد البيا بانكى المعروف بعلاء الدولة السمناني غفره الله ووالديه كتبه بالتماس الواقف المتصدق المذكور جزاه الله في الدارين خيراً وآخرة في شهر رمضان المبارك سنة اربع وسبعمائه بعون الله تبارك وتعالى ، ٢٠٤ .

بر اين وقفنامه مرحوم حاج ميرزا زمان خان عموى فرخ خان - امين الدوله حواشی نوشته است از جمله درباره نسب كاكوئى واقف نوشته است : « در اينجا كاكوئى را نتوانستم معلوم كنم اسم بلد است يا طايفه مگر دريكي از محلات سمنان چند نفر از رعايا هستند كه آنها را از طايفه كاكوئى مى گویند. از مقرب الخاقان لسان الملك (*) تحقيق نمايد كه کدام يك از طبقه سلاطين است يا امراء يا وزراء كه منسوب يا ملقب به كاكواند. چنين در خاطر دارم كه باشد. اما حالا محل امارت آن طبقه را نميدانم كجاست . ديلم است. استرabad است . مازندران است . فارس و عراق و كرمان است؛ در هر صورت تحقيق اين فقره را بايد بنمائيد . باري معلوم ميشود يكي از شعبه غفارى هم در سمنان بوده است . وقف ده نمك و وقف نامه بخط علاء الدوله چنين دلالت مى كند، والسلام .

حاشیه ديگر: هو الحى الذى لا يموت . اين سواد سواد وقف نامه كه اصل آن بخط عارف كامل معروف يعنى علاء الدوله سمنانى طاب ثراه كه

٦- آيه ١٧٧ سوره ٢ (بقره)

* مراد ميرزا هدايت الله خان سپهر لسان الملك ثانى است پسر صاحب ناسخ التواريخ و جد خاندان سپهر از مردم كاشان .

واقف یکی از علماء و فضلاء غفاری بوده و در سنه ۷۰۴ قریه ده نمک را وقف نموده و در سنه ۱۳۰۲ بامر قدرقدر همایون روحنا فداء جمع بندی و ممیزی قریه مزبور بدستگیری این بنده که از بنی غفار است شده بامعان نظر ملاحظه نمائید و هر گاه مصلحت اقتضاء نماید عرض و اظهارش در خاکپای مبارک عادلانه ملوکانه و اولیای دولت قاهره ضرر ندارد که مقصود این است تا پانصد و نود هشت سال قبل نسب این سلسله بموجب این وقفنامه مقرون بصحت است و مانند علاءالدوله فاضل عارف کامل پیر با آن مراتب شأن و شرافت نفس محرر وقف نامه و شاهد این نسب و علو شأن واقف بوده است و مقصود دیگر اینکه در چند سال پیش یکی از اخوان مقرب الحضرة الخاقان میرزا رسید رضی حکیمباشی سمنانی (۷) اضطراراً سه دانگ قریه ده نمک را بادعای اینکه ما از اولاد اناث واقف هستیم مبلغ هشتصد تومان بمرحوم حاجی علی اکبر امین معاون (۸) فروخته و وقف نامه بخط علاءالدوله راهم میگویند به آن مرحوم تسلیم نموده و پس از آن حاجی علی اکبر سخیر الحاج حاجی علی نقی تاجر کاشانی (۹) که حاج مشارالیه از حاجی علی اکبر طلب داشته منتقل می کند و حاجی علی نقی هم نظر باینکه از حقیقت وقفنامه

۷- از اطباء نظام دوره ناصری .

۸- دو برادر بودند بنام حاجی علی اکبر و حاجی علی اصغر که از اواسط دوره ناصری بکار معادن حوالی سمنان وارد شدند و نفت خوریان و فیروزه نیشابور نیز مدتی در اجاره آنها بود .

۹- پدر یا جد مرحوم حسین نقوی داماد مرحوم امین الضرب ، و از دوستان آن مرحوم .

سابقه اطلاع داشته این سه دانگ را وقف نموده است و این اوقات ازقراری که بسمنان خبر رسیده آقا میرزا سید رضی بخاکپای عادلانه ملوکانه تظلم نموده که مبیعه سه دانگده نمک را که کسان من کرده اند فاسد بوده است. و الحال باید این سه دانگ با سه دانگ دیگر که اکراد و غیره بمالکیت تصرف دارند بحالت اصلی که وقف بوده برگردد و وقف بر وقف را که حاجی علی- نقی کرده مقرون بشرع نیست و از جانب سنی الجوانب همایونی روحنا فداء قطع این گفتگو بشرع رجوع شده

صالح و طالح متاع خویش نمودند تا که پسند افتد و چه در نظر آید و نیز ضمناً خواهش و مقصود عمده که هست این است که برای اثبات صحت نسب سلسله غفاری این سواد و وقفنامه را بلحاظ شریف برخی ارباب سیر و تواریخ برسانید که دعوی نسب این سلسله را بیپوده ندانند و حال اینکه این مسئله را میدانم ،

اگر بزهد بنازد کسی روا باشد گرافتخار کنند فاضلی به فضل رواست به اصل تنها کسی را مفاخرت نبود که نسبت همه از آدم است و از حواست . و هزار افسوس که آن نسب نامه به آن معتبری که بدست آمد مستور و محجوب ماند و بیرون نیامد که چهار نفر از ادبا و مردی که غیرت و تعصب نسب و حسب دارند ملاحظه فرمایند، شهر محرم الحرام ۱۳۰۲ مهر- بیضی ، سجع زمان الدین الغفاری .

حاشیه دیگر: صوفی متقی مقصود خود علاءالدوله بوده است بنا به شرف قدر و اعتبار و استغنائی که داشته و وقفنامه بخط او رقم شده اسم خود را آشکار ننوشته است، الکتابة ابلغ من التصريح ، اگر کسی اصل وقفنامه را

بدست آورد و ملاحظه نمایند ممهور بمهرچه اشخاص و بزرگان و علمای
آن عصر بوده است که برصحت آن وقفنامه جای شبهه نیست .

حاشیه دیگر: بیابانک قریه ایست در چهار فرسخی سمنان و ما بین
سمنان و آن دهکده بقعه علاءالدوله است که از بناهای عالیه است که مضجع
و مقبره آن مرحوم است .